

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَخْفَى، وَنُورِكَ لَا يُطْفَأُ (لَا يُطْفِئُ)، وَأَنْ مَّن

مولای من فضل تو مخفی نمی ماند، و نورت خاموش نگردد، و آن که تو

جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشْقَى؛ مَوْلَايَ، أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ،

را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگانی

وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ؛ مَوْلَايَ، لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي

و راهنمای به سوی راه راستی، و ذخیره روز معادی، مولای من خدا مقامت را در

الْأُولَى مَنزِلَتَكَ، وَأَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ، وَبَصَّرَكَ مَا عَمِيَ

دنیا بلند کرد، و درجات را در آخرت والا گردانید، و بینایت نمود به آنچه

عَلَى مَنْ خَالَفَكَ، وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ، فَلَعَنَ

بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند، و بین تو و موهبتهای خدا حجاب شد، لعنت

اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنكَ، وَأَشْهَدُ

خدا بر حلال شمارندگان حرمتت، و دفع کنندگان حقت، و شهادت می دهم

أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ، وَهُمْ فِيهَا

که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می سوزاند، و در میان دوزخ زشت

كَالْحُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقَدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ، وَلَا نَطَقْتَ

و عبوس هستند، و شهادت می دهم که اقدام نکردی، و قدم به عقب نگذاشتی، و سخن نگفتی

وَلَا أَمْسَكَتَ، إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ قُلْتَ: وَالَّذِي نَفْسِي

و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش، خودت فرمودی: سوگند به آن که جانم

بِيَدِهِ، لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرِبُ

در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه

بِالسَّيْفِ قُدَمَا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ

شمشیر می زد، ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به

مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتَكَ

موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست، و من تو را خبر می دهم که مرگ و زندگی

مَعِيَ، وَعَلَى سُنَّتِي، فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ

تو با من و براساس راه و رسم من است، به خدا سوگند دروغ نگفتم، و به من دروغ گفته نشد، و گمراه نشدم

وَلَا ضُلَّ بِي، وَلَا نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي لَعَلَى بَيْتِنَا مِنْ

و کسی به وسیله من گمراه نشده، و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من بر برهانی از سوی

رَبِّي، بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الواضِحِ،

پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان

الْفِظَةِ لَفِظًا، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

داشته است و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحت تمام، ای امیر مؤمنان به خدا سوگند

سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: ﴿هَلْ يَسْتَوِي

راست گفتمی، و حق گفتمی. پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد، در حالی که خدا

الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟!﴾ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ،

می فرماید: آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند برابرند؟ پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد،

مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِهِ،

آن کس را که خدا ولایتت را بر او واجب کرد، و حال اینکه تو ولیّ خدایی، و برادر رسول خدایی

وَالذَّابُّ عَنِ دِينِهِ، وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ؛ قَالَ اللَّهُ

و دفاع کننده از دین خدایی، و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست، خدای

تَعَالَى: ﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا،

تعالی فرمود: خدا جهاد کنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ،

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً؛ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾.

درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهاد کنندگان است، و خدا همواره آمرزنده و مهربان است

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ،

و خدای تعالی فرمود: آیا ابدهی به حاجیان و آباد کردن در مسجد الحرام را قرار داده‌اید

كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟

لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ؟! وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ

هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. آنان که

آمَنُوا وَهَاجَرُوا، وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ،

ایمان آوردند و هجرت کردند، و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد کردند،

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ؛ وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْفَائِزُونَ. يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ

از جهت مقام به نزد خدا برترند، و ایشان رستگارانند، نویدشان می دهد پروردگارشان

بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ، وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا

به رحمتی از جانب خود و خشنودی، و بهشتهایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد. در آن بهشتها

أَبَدًا؛ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ

جلودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است. شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص

اللَّهِ، الْمُخْلِصُ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ تَبِغْ بِالْهُدَىٰ بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ

گشته ای، و مخلص در طاعت خدایی، برای هدایت جایگزینی نجستی، و در بندگی

رَبِّكَ أَحَدًا، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ، اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پروردگارت احدی را شریک نساختی، خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش)

فِيكَ دَعْوَتِهِ، ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِشَانِكَ،

را در حق تو اجابت کرد، سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد، برای بالا بردن شأنت،

وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ، وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ، فَلَمَّا

و علنی ساختن برهانت، و دفع باطلها، و بریدن بهانه ها، پس زمانی

أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَىٰ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَىٰ إِلَيْهِ

که از آشوب اهل فسق بیمناک شد، و درباره تو در برابر منافقان محافظه کاری کرد، پروردگار

رَبُّ الْعَالَمِينَ: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ

جهانیان به او وحی کرد: ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان، اگر

لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾؛ فَوَضَعَ

انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای، خدا تو را از مردم حفظ می کند پس او بارهای سنگین سفر را

عَلَىٰ نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَنَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ، فَخَطَبَ

بر دوش جان نهاد، و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد

وَأَسْمَعَ وَنَادَىٰ فَبَلَّغَ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعٌ، فَقَالَ: هَلْ بَلَّغْتُمْ؟

و شنوند، و فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟

فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَىٰ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قَالَ: أَلَسْتُ أَوْلَىٰ

گفتند: به خدا قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش. سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، فَقَالُوا: بَلَى ، فَاخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: «مَنْ

به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس دست تو را گرفت، و فرمود: هر که

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ

من مولای اویم، پس این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد، و دشمن بدار

عَادَاهُ ، وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» ، فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ

هر که او را دشمن دارد، و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و خوار کن هر که خوارش سازد. پس به آنچه

اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ ، وَلَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ ، وَلَقَدْ

خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده‌ای اندک، و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری، پیش از

أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ ، وَهُمْ كَارِهُونَ : ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند: ای کسانی که

آمَنُوا ، مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ

ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دینش برگردد، خدا به زودی قومی را بیاورد، که آنها را

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ، أَدِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ، أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ،

دوست دارد، و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند، و بر کافران سخت،

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ؛ ذَلِكَ فَضْلُ

در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند، این است فضل

اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ؛ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترده و دانا است. جز این نیست که شما ولی خدا و رسول او و همه

وَالَّذِينَ آمَنُوا ، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ، وَهُمْ

انانی هستند که ایمان آوردند، و انانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند، درحالی که

رَاكِعُونَ . وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ، فَإِنَّ حِزْبَ

رکوع کننده‌اند، و هر که با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند، پس حزب

اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ . رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ ، فَاكْتُبْنَا

خدا حزب پیروز است. پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را

مَعَ الشَّاهِدِينَ . رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ، وَهَبْ لَنَا

با گواهان بنویس. پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایتمان کردی منحرف مساز، و به ما

با گواهان بنویس. پروردگارا دل‌های ما را پس از آنکه هدایتمان کردی منحرف مساز، و به ما

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿١﴾. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا

از نزد خود رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده‌ای خدا یا ما می دانیم که این گفتار

هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنَ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ، وَكَذَّبَ

از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد، و به آن کبر ورزید، و آن را تکذیب کرد،

بِهِ وَكَفَرَ، ﴿٢﴾ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَيَّ مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٣﴾ .

و کافر شد، و زود است بدانند کسانی که ستم کردند، به چه بازگشتگاهی برگردند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَاَوَّلَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و رأس

الْعَابِدِينَ، وَاَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ، وَصَلَوَاتِهِ

عبادت کنندگان، و پارساترین پارسایان، و رحمت خدا و برکات و درودها

وَ تَحِيَّاتِهِ؛ اَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلٰى حُبِّهِ، مَسْكِيْنَا وَيَتِيْمًا وَاَسِيْرًا

و تحیاتش بر تو باد، تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر تنها به

لِوَجْهِ اللّٰهِ، لَا تُرِيْدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَّلَا شُكُوْرًا، وَفِيكَ اَنْزَلَ اللّٰهُ

خاطر خشنودی خدا، که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی، و خدای

تَعَالٰى: ﴿٤﴾ وَيُوْثِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَمَنْ

تعالی در حق تو چنین گفت: دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گر چه خود تهیدست باشند، هر که

يُوْقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾؛ وَاَنْتَ الْكَاطِمُ

از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنانند از رستگاران، تویی فروبرنده

لِلْغَيْظِ، وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ؛ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ وَاَنْتَ

خشم، و گذشت کننده از مردم، و خدا نیکوکاران را دوست دارد، تویی

الصَّابِرُ فِي الْبِاسِ وَالضَّرَّاءِ، وَحِينَ الْبَاسِ؛ وَاَنْتَ الْقَاسِمُ

صبر کننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ، تویی بخش کننده

بِالسَّوِيَّةِ، وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَالْعَالِمُ بِمُجْدُوْدِ اللّٰهِ مِنْ جَمِيْعِ

به برابری، و دادگر در میان ملت، و آگاه به مقررات خدا، از میان همه

الْبَرِيَّةِ، وَاللّٰهُ تَعَالٰى اَخْبَرَ عَمَّا اَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿٦﴾ اَفَمَنْ

انسانها، خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته اش: آیا کسی که

كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ؟! أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا

مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟ هرگز برابر نیستند. اما کسانی که ایمان آوردند،

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ، نُزُلًا بِمَا كَانُوا

و کار شایسته کردند، برای آنهاست بهشت‌های خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه

يَعْمَلُونَ ﴿٤﴾؛ وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ،

انجام دادند، و تویی اختصاص یافته به علم قرآن، و حکم تأویل،

وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ،

و صریح گفتار پیامبر، و تو راست موقعیتهای گواهی شده، و مقامات مشهور،

وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ، ﴿٥﴾ إِذْ زَاغَتْ

و روزهای یاد شده، روز بدر، و روز احزاب، آن زمان که

الْأَبْصَارُ، وَبَلَغَتْ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَنظَّنُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛

چشمها منحرف، و جانها به گلوها رسید، و به خدا گمان می بردید، گمانهای گوناگون،

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا. وَإِذْ يَقُولُ

در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند، و دچار تزلزل روحی گشتند تزلزل سخت. آن هنگام

الْمُتَنَفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ: مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا

اهل نفاق و آنان که در دلها ایشان بیماری بود گفتند: خدا و رسولش جز فریب به ما

غُرُورًا. وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ: يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ

و وعده ندادند. و در آن زمان گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه جایی برای شما نیست،

فَارْجِعُوا، وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا

باز گردید، و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند، می گفتند: خانه‌های ما باز

عَوْرَةٌ، وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ، إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ:

و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند، و خدای تعالی فرمود:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ

همینکه اهل ایمان دسته‌های کفر و شرک را دیدند گفتند: این همان است که خدا

وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا

و رسولش به ما وعده داد، خدا و رسولش راست گفتند، و آنان را نیفزود مگر ایمان

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

وَتَسْلِيمًا ﴿١﴾؛ فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ، وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، ﴿٢﴾ وَرَدَّ اللَّهُ

و تسلیم، پس عمرو قهرمان آنها را کشتی، و جمع آنان را فراری دادی، و خدا

الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ

آنان را که کافر بودند با خشمشان بازگرداند، در حالی که به غنیمتی دست نیافتند، و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت

الْقِتَالَ؛ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٣﴾؛ وَيَوْمَ أُحُدٍ ﴿٤﴾ إِذْ يُصْعِدُونَ

کرد، و خدا نیرومند و عزیز است، و روز اُحد هنگامی که از اطراف

وَلَا يَلِوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ، وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ ﴿٥﴾، وَأَنْتَ

پیامبر فرار می کردی، و به احدی اعتنا نمی نمودی، و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد، تو بودی

تَذُوذُ بِهِمَ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ، ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ،

که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی،

حَتَّىٰ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَنْكُمَا خَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَازِلِينَ؛

تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند، و شکست خوردگان را به وسیله تو یاری کرد.

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ: ﴿٦﴾ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ

و روز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد: «زمانی که نفرت زیاد

فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا، وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ،

شما باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد، و زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد،

ثُمَّ وَاَلَيْتُمْ مُدْرِبِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ

سپس روی گردانده فرار کردید. آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٧﴾؛ وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمُّكَ الْعَبَّاسُ

نازل فرمود. «مؤمنان» تو بودی و همراهانت، و عمویت عباس

يُنَادِي الْمُتَهَمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ

شکست خوردگان را صدا می زد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیعت

الشَّجَرَةِ، حَتَّىٰ اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُؤْنَةَ،

شجره، تا جماعتی به او پاسخ دادند، که تو رنج آنها را کفایت کردی،

وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمُعُونَةَ، فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمُثُوبَةِ، رَاجِينَ

و به جای آنها کمک را عهده دار شدی، پس نومید از پاداش برگشتند، و امیدوار به

وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ : ﴿ثُمَّ يَتُوبُ

و وعده خدای تعالی به توبه، و این است سخن خدا که عظیم باد یادش: «آنگاه

اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ﴾ ؛ وَأَنْتَ حَازِرٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ ،

خدا توبه می پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد،» درحالی که تو درجه صبر را به دست آوردی،

فَإِنَّهُ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ ؛ وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُتَافِقِينَ ،

و به مزد بزرگ پیروز شدی، و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد،

وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . ﴿وَلَقَدْ كَانُوا

و دنباله کافران را برید، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، درحالی که

عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ ؛ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ

آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند، و به یقین پیمان خدا مورد

مَسْئُولًا﴾ . مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ، وَالْمُحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ ،

بازخواست است. مولای من تویی حجت رسا، و راه روشن،

وَالنِّعْمَةُ السَّابِغَةُ ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ

و نعمت کامل، و برهان تابناک، پس گوارا باد تو را، آنچه خدا

مِنْ فَضْلٍ ، وَتَبًّا لِشَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ ، شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ

از برتری به تو داد، و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ ، تَحْمِلُ الرِّايَةَ

(درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگها و لشکر کشیهایش حاضر بودی، پیشاپیش پرچم اسلام را به

أَمَامَهُ ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ ،

دوش می کشیدی، و در برابرش شمشیر می زدی، سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهورت

وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ ، أَمْرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ ،

و بینایی ات در امور، در تمام میدانها تو را به فرماندهی می گماشت، و امیری بر تو نبود،

وَكَمِ مِنْ أَمْرِ صَدِّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى ، وَاتَّبَعَ

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد، اما جز تو

غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى ، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ

در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند، که تو از آنچه

انتهى، ضلَّ وَ اللهُ الظَّانُّ لِدَلِكِ وَ مَا اهْتَدَى، وَ لَقَدْ اَوْضَحْتَ

او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده اینچنین گمراه شد و راه نیافت، و تو واضح ساختی آنچه

ما أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمْ وَ امْتَرَى، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللهُ

مشکل شده بود از این امور، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا

عَلَيْكَ: «قَدْ يَرَى الْحَوَّلَ الْقُلْبُ وَ جَهَ الْحَيْلَةَ، وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ

بر تو که فرمودی: گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پرده‌ای از

تَقْوَى اللهُ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ، وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ

تقوای خداست، در نتیجه روی چاره را آشکار رها می کند، ولی فرصت آن را غنیمت می داند

لَا حَرِيْجَةَ لَهُ فِي الدِّيْنِ؛ صَدَقْتَ وَ اللهُ، وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَ اِذَا

کسی در امر دین باکی ندارد. به خدا سوگند راست گفتی، و یاوه سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن

مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا: زَيْدُ الْعُمَرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا: «لَعَمْرُكُمَا

دو عهدشکن اطلحه و زبیر ابا تو به فریبکاری برخاستند، و گفتند قصد عمره داریم، به آنان گفتی: به جان

مَا تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ»، فَآخَذَتِ الْبَيْعَةَ

خودتان قسم: قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت

عَلَيْهِمَا، وَ جَدَّدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدًّا فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى

گرفتی، و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستان

فَعَلِيْهِمَا، اَغْفَلَا وَ عَادَا وَ مَا اَنْتَفَعَا، وَ كَانَ عَاقِبَةُ اَمْرِهِمَا خُسْرًا؛

آگاهشان کردی، بی توجهی کردند، و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره‌مند نشدند، و سرانجام کار هر دو خسران شد.

ثُمَّ تَلَاهُمَا اَهْلُ الشَّامِ، فَسِرَتْ اِلَيْهِمْ بَعْدَ الْاِعْذَارِ، وَ هُمْ

سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند، و تو پس از بستن راه عذر بر آنان به سویشان حرکت کردی، ولی

لَا يَدِينُونَ دِيْنَ الْحَقِّ، وَ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَّجٌ رَعَاةٌ

آنها به دین حق گردن ننهادند. و در قرآن تدبّر ننمودند، بی‌خردان پست

ضَالُّونَ، وَ بِالَّذِي اُنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَ لِاهْلِ

و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند، و یاوران

الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ، وَ قَدْ اَمَرَ اللهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ، وَ نَدَبَ

مخالف تو، در حالی که خدا به پیروی از تو امر کرد،

المؤمنين إلى نصرِكَ ، وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ،

و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند، و فرمود خدای عز و جل: ای کسانی که ایمان آورده‌اید

اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ۝ . مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ ،

خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید. مولای من حق بر تو نمایان شد،

وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ ، وَأَوْضَحَتِ السُّنَنَ بَعْدَ الدَّرُوسِ وَالطَّمَسِ ،

درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند، و تو روشهای دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی،

فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ ، وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ

توراست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن، و توراست فضیلت جهاد

عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ ، وَعَدُّوكَ عَدُوَّ اللَّهِ ، جَا حِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ ،

بر پایه تحقق تأویل، و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است،

يَدْعُو بَاطِلًا ، وَيَحْكُمُ جَائِرًا ، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا ، وَيَدْعُو حِزْبَهُ

دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم، فرمان می دهد غاصبانه، دار و دسته اش را

إِلَى النَّارِ ، وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفِينِ : الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ

به دوزخ می خواند، درحالی که عمّار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد: کوچ کنید، کوچ کنید

إِلَى الْجَنَّةِ ، وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسُقِيَ اللَّبَنَ ، كَبَّرَ وَقَالَ : قَالَ لِي

به سوی بهشت، و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت:

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَا حٌ

رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود: آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است

مِن لَبَنٍ ، وَتَقَتُّكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ ، فَأَعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ

از شیر، و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند، پس ابوالعادیه فزاری راه را

الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ ، فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ ، وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ

بر عمّار گرفت و او را کشت، بر ابوالعادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا

وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ ، وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ ، وَسَلَّتْ

و همه پیامبران، و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید، و تو به روی او

سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

شمشیر کشیدی، ای امیر مؤمنان، از مشرکان و منافقان

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ، وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ ،

تا روز قیامت، و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت، و غم تو را ناخوش نداشت

وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ ،

و دیده برهم نهاد و بی تفاوت گذشت، و علت و عاملش را انکار نکرد، یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد،

أَوْ قَعَدَ عَنِ نَصْرِكَ ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ ، أَوْ غَمَطَ

یا از یاری ات دست کشید، یا از جهاد نمودن به همراه تو، یا از جهاد کناره گیری کرد،

فَضْلَكَ ، وَجَحَدَ حَقَّكَ ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ

یا فضل تو را کوچک شمرد، و حقت را انکار کرد، یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر

مِنْ نَفْسِهِ ، وَ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ،

به او از خود او، و درودهای خدا و رحمت و برکات

وَسَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ ، وَ عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ ؛ إِنَّهُ

و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، که خدا

حَمِيدٌ مُجِيدٌ . وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ ، وَالْخَطْبُ الْأَفْطَحُ بَعْدَ

ستوده و بزرگوار است، کار شگفت‌تر و حادثه زشت‌تر، پس

جَحْدِكَ حَقَّكَ ، غَضَبُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ ، سَيِّدَةِ

از انکار حق تو، غضب فدک صدیقه طاهره زهرا سرور

النِّسَاءِ فِدَاً ، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ ، وَعِترَةِ

زنان، و نپذیرفتن گواهی تو و گواهی دو سرور از نژادت و عترت

المُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ ، وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَى الْأُمَّةِ

مصطفی است!! (درود خدا بر شما باد)، و حال آن که خدا درجه شما را بر امت

دَرَجَتَكُمْ ، وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ ، وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَىٰ

برتر گرداند، و منزلت شما را رفیع قرار داد، و فضل و شرفتان را بر

العَالَمِينَ ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا ؛ قَالَ

جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد، و پاکتان ساخت پاک‌ساختنی ویژه،

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ؛ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

خدا عز و جل فرمود: انسان بسیار حریص آفریده شده، چون گزندى به او در رسد

جَزَوْعًا ، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿١﴾ ؛ فَاسْتَنْتَنِي

بی صبری کند، و چون خیری به او در رسد دروغ ورزد، جز نمازگزاران، پس

اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ

خدای متعال، پیامبر برگزیده‌اش را و تو را، ای سرور جانیشیان از همه

الْخَلْقِ ، فَمَا أَعَمَّهُ مَن ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ ، ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ

خلق استثنا کرد، پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند، سپس سهم

ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا ، وَأَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا ، فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ

خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند، ولی به جور و ستم

إِلَيْكَ أَجْرِيَتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرِيَا ، رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ ،

از اهلش برگرداندند چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر در حالی که از آن دو نفر روی گردان بودی،

فَأَشْبَهْتَ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، عِنْدَ

بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری

الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ ، وَأَشْبَهْتَ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ

تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی یاری شبیه شد، و در آرمیدن در

الذَّبِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ ، وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ

بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی، و اطاعت نمودی به

إِسْمَاعِيلُ ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا ، إِذْ قَالَ لَهُ : ﴿يَا بُنَيَّ ، إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ

همان صورت که اسماعیل صابرانه و پاداش خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابراهیم به او گفت: «پسر من در خواب دیدم که

أَنِّي أَدْبِحُكَ ، فَانظُرْ مَاذَا تَرَى؟ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ،

ترا ذبح می‌کنم، بنگر که رأی تو چیست؟ گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده‌ای اقدام کن،

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٢﴾ ؛ وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا آبَاكَ

اگر خدا بخواهد مرا از بردباران خواهی یافت»، و تو نیز زمانی که

النَّبِيِّ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَمَرَكَ أَنْ تَضَجَعَ فِي مَرْقَدِهِ ،

پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در بسترش خواباندت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی،

وَاقِيًا لَهُ وَبِنَفْسِكَ ، أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا ، وَلِنَفْسِكَ

و او را با جان از شر دشمنان حفظ کنی، فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی، و خود را

عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا ، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ ، وَأَبَانَ عَن

برای کشته شدن آماده کردی، در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد، و از کار

جَمِيلٍ فِعْلِكَ ، بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ : ﴿ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي

زیبایت به گفتارش جل ذکره در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: «و از مردم کسی است که جانش را

نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ ۗ؛ ثُمَّ مَحْنَتَكَ يَوْمَ صِفِّينَ ، وَقَدْ رُفِعَتْ

برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد» سپس گرفتاریت در جنگ صفین، در حالی

المصاحفُ حيلةً ومَكْرًا ، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ ، وَعُرِفَ الْحَقُّ ،

که قرآن ها از روی حيله و فريب به نيزه ها بالا رفته بود، در نتیجه شك و تردید پيدا شد، و حق به يك سو افتاد،

وَاتَّبَعَ الظَّنُّ ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ ، إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ ،

و از گمان پیروی شد، این گرفتاریات شبیه به گرفتاری هارون شد، زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد،

فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ ، وَهَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ : ﴿ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ

آنها از دور او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت: ای مردم شما به گوساله آزمایش شده اید به درستی

بِهِ ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ ، فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ؛ قَالُوا :

که پروردگار شما خدای بخشنده است، از من پیروی کنید. و از دستورم پیروی نمایید، گفتند همچنان روی آور

لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ ، حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ۗ؛ وَكَذَلِكَ

به گوساله خواهیم بود، تا موسی به سوی ما باز گردد!! و همچنین

أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ ، قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ ،

تو ای امیر مومنان، همین که قرآن ها بالا رفت گفتی: ای ملت شما به آن آزمایش شدید

فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ ، وَاسْتَدَعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِينَ

و گرفتار نیرنگ گشته اید، اما از خواسته تو سرپیچی کردند، و با تو به مخالفت برخاستند، و گماشتن دو داور

فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ ، وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ ،

را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بیزاری جستی،

فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجَوْرِ

و آن را به خودشان وا گذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغزش

عَنِ الْقَصْدِ ، اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ ، وَالزَّمُوكَ عَلَى سَفَهٍ

و انحراف از راه حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی خردی تو را مجبور به پذیرفتن

التَّحْكِيمَ، الَّذِي أَبِيْتَهُ وَأَحْبَبُوهُ وَحَظَرْتَهُ، وَأَبَا حُواذَنْبَهُمُ الَّذِي

حکمت کردند، حکمتی که از آن سرباز زد و آنان می خواستند و تو از آن باز داشتی، روا دانستند گناهانشان

اَقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدًى، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ

را که مرتکب شدند، تو بر راه بینایی و هدایت بودی، و ایشان بر روشهای گمراهی

وَعَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصْرَبِينَ، وَفِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ،

و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند، و در گمراهی سرگردان بودند،

حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهَ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ

تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند، و کسی را که با تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشید،

فَشَقَى وَهَوَى، وَأَحْيَى بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهْدَى، صَلَوَاتُ

پس بدبخت و نگونسار شد، و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت، و راهنمایی شد. درود

اللَّهِ عَلَيْكَ، غَادِيَةٌ وَرَائِحَةٌ، وَعَاكِفَةٌ وَذَاهِبَةٌ، فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ

خدا بر تو باد بامداد و شامگاه، در حضر و در سفر، بر وصف مدح کننده ای احاطه نکند، و عیب جویی بر تریات

وَصَفَكَ، وَلَا يُحِبُّ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ، أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ

را نابود ننماید، تو در عبادت بهترین خلقی، و در پارسایی خالص ترین

عِبَادَةٌ، وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةٌ، وَأَذْنُبُهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ

آنانی، و در دفاع از دین سرسخت ترین ایشان، با کوشش حدود خدا

اللَّهِ بِجُهْدِكَ، وَفَلَّتْ عَسَاكِرُ المَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُخَمِّدُ لَهَبَ

را بپاداشتی، و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشتان

الْحُرُوبِ بِبَنَانِكَ، وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبهِ بِبَيَانِكَ، وَتَكْشِفُ

شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت پرده های شبهه را دریدی، و آمیختگی

لَبَسَ البَاطِلِ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لِأَيِّمٍ،

باطل را از حق روشن بر طرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت،

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنِ مَدْحِ المَادِحِينَ، وَ تَقْرِيطِ

مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مداحان و ستایش

الوَاصِفِينَ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا

وصف کنندگان، خدای تعالی فرمود: از مؤمنان مردانی هستند که

مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَجْبَهُ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ،

به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند،

وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿١٠﴾؛ وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّاصِبِينَ،

و جمعی از آنان انتظار می کشند، و به هیچ روی تغییر نکردند. زمانی که دیدی پیمان شکنان

وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَصَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و ستمکاران و بیرون رفتگان از دین را کشتی، و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد)

وَأَلِهِ وَعَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ، قُلْتَ: أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ

و عده اش را به تو راست گفته بود، و تو هم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون

مِنْ هَذِهِ؟ أَمْ مَتَىٰ يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاثِقًا بِأَنَّكَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ،

سر رنگین شود؟ یا چه زمان بدبخت ترین این ملت برای این کار برانگیخته می شود، اطمینان داشتی به اینکه

وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ؟ قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبَشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي

بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی، وارد شونده بارگاه خدایم، شادان به معامله ای

بَايَعْتَهُ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. اللَّهُمَّ الْعَن قِتْلَةَ

که انجام دادی، و این است آن رستگاری بزرگ. خدایا کشتندگان

أَنْبِيَائِكَ، وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرًّا

پیامبرانت، و جانسپینان انبیایت را به تمام لعنتهای لعنت کن، و آنان را ملازم حرارت

نَارِكَ، وَالْعَن مَنْ غَضَبَ وَلِيِّكَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ،

آتش گردان، و لعنت کن کسی را که حق ولی ات را غضب کرد، و پیمانش را انکار نمود،

وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ

و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی

الدِّينَ. اللَّهُمَّ الْعَن قِتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ، وَأَشْيَاعَهُمْ

منکر شد، خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را

وَأَنْصَارَهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَن ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ، وَالْمُتَابِعِينَ

لعنت کن. خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن، و همچنین قاتلان، و پیروی کنندگان

عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقِتْلِهِ وَخَازِلِيهِ لَعْنًا وَبَيْلًا. اللَّهُمَّ

از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش، و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت، خدایا

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

العَنَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَمَانِعِهِمْ حُقُوقَهُمْ. اللَّهُمَّ خُصَّ

لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد، و آنان را از حقوقشان بازداشت، خدایا

أَوَّلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى

اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده، و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت

يَوْمَ الْقِيَامَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَآلِ مُحَمَّدٍ] خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

تا روز قیامت. خدایا درود فرست بر محمد و خاتم پیامبران،

وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا بِهِمْ

و بر علی و سرور اوصیاء، و خاندان پاکش، و ما را قرار ده از

مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْآمِنِينَ، الَّذِينَ

متمسکین به آنان، و از کامیابان به ولایتشان، و ایمنانی که

لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.

مؤلف گوید: ما در کتاب «هدیه الزائرین» به سند این زیارت

اشاره کردیم و اینکه این زیارت را هر روز از نزدیک و

دور می شود خواند، و این فایده بزرگی است که البته

مشتاقان به عبادت، و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت

علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد.

سوم: زیارتی است که در کتاب «اقبال» از امام صادق علیه السلام

روایت شده که فرمود: هرگاه در روز عید غدیر، کنار

قبر شریف حضرت امیر مؤمنان علیه السلام باشی، نزدیک قبر

شریف آن جناب برو، و پس از نماز و دعا، و اگر در

شهرهای دیگر باشی بعد از نماز اشاره کن به جانب آن

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

حضرت، و دعا این است: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَوَلِيِّكَ وَأَخِي نَبِيِّكَ،**

خدایا درود فرست بر ولی‌ات، و برادر پیامبرت،

وَوَازِرِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ أُسْرَتِهِ،

و وزیر و حبیب و دوستش، و جایگاه راز، و برگزیده از خانواده‌اش،

وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخَالِصَتِهِ، وَأَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ، وَأَشْرَفِ عِتْرَتِهِ،

و جانشینش، و پاک و خالص و امین و ولی‌اش و شریف‌ترین عترتش،

الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، وَأَبَى ذُرِّيَّتِهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ

آنان که به او ایمان آوردند، و پدر نسل و درگاه حکمت و گویای به

بِحُجَّتِهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ

حجت و دعوت کننده به شریعتش، و رهرو روشش، و جانشین

عَلَى أُمَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ، وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدِ الْعُرَى

او بر ملتش، سرور مسلمانان، و امیر مؤمنان، و پیشرو

الْمُحْجَلِينَ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ،

سپیدرویان، برترین درودی که بر یکی از خلق خود، و برگزیدگان

وَأَصْفِيائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ

و جانشینان پیامبرانت فرستادی، خدایا من شهادت می‌دهم که او از جانب

عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظُ،

پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) آنچه را بر عهده داشت رساند، و آنچه نگهداری‌اش از او خواسته شده بود

وَحَفِظَ مَا اسْتَوْدِعَ، وَحَلَّلَ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ

رعایت کرد، و آنچه را به او سپرده شده بود حفظ کرد، حلال کرد حلالات را، و حرام کرد حرامات را، و بپاداشت

أَحْكَامَكَ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ، وَإِلَى أَوْلِيَائِكَ، وَعَادَى أَعْدَاءَكَ،

احکامت را و فرا خواند به راهت، و دوست داشت دوستانت را، و دشمن داشت دشمنانت را،

وَ جَاهَدَ النَّاكِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ

و با پیمان شکنان از راهت، و ستمکاران، و خارج شدگان از فرمانت نبرد کرد، درحالی که شکیبایی به خرج داد،

أَمْرِكَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ

و به حساب خدا گذاشت، روی کنان نه روی گردان، و از سرزنش کنندگان، در راه خدا

لَوْمَةٌ لَائِمٌ ، حَتَّى بَلَغَ فِي ذَلِكَ الرَّضَا ، وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ ،

باکی به خود راه ، نداد ، تا در این زمینه به مقام رضا رسید ، و قضا را تسلیم تو کرد ،

وَعَبْدَكَ مُخْلِصًا ، وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِدًا ، حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ ،

و خالصانه تو را پرستید ، و با کوششی سخت خیر خواهی نمود ، تا مرگ او فرا رسید ،

فَقَبَضَتْهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا ، وَلِيًّا تَقِيًّا رَضِيًّا ، زَكِيًّا هَادِيًّا

پس به سوی خود شهید و خوشبخت و ولی و پرهیزگار و پسندیده و پاک و هدایتگر و هدایت شده قبض

مَهْدِيًّا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

روحش نمودی. خدایا بر محمد و او درود فرست ، برترین درودی که بر

أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

یکی از پیامبران و برگزیدگان فرستادی ، ای پروردگار جهانیان .

مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» برای این روز شریف، زیارتی دیگر نقل کرده، که اختصاصش به این روز معلوم نیست و آن زیارت مرگب از دو زیارت است، که علامه مجلسی آنها را زیارت دوم و سوم کتاب «تحفه» قرار داده است.

دومین زیارت از زیارات مخصوصه حضرت امیرمؤمنان علیه السلام

زیارت روز ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. شیخ مفید و شهید

و سید ابن طاووس رحمته الله روایت کرده اند که حضرت صادق

علیه السلام امیرمؤمنان علیه السلام را در هفدهم ربیع الاول زیارت کرد به این زیارت، و آن را به ثقة جلیل القدر محمد بن مسلم ثقفی رضی الله عنه تعلیم داد، و به او فرمود: چون به مشهد امیرمؤمنان علیه السلام بیایی، غسل زیارت کن، و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش، و خویش را به بوی خوش معطر کن، و به آرامی و وقار برو، چون به «باب السلام» یعنی درگاه حرم مطهر رسیدی، رو به قبله بایست و سی مرتبه «الله اکبر» بگو و پس از آن بخوان:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى خَيْرَةِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى

سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر

البَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ السَّلَامُ عَلَى

مژده دهنده بیمده و چراغ نوربخش، و رحمت و برکات خدا، سلام بر

الطَّهْرِ الطَّاهِرِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْعِلْمِ الزَّاهِرِ؛ السَّلَامُ عَلَى

پاک و پاکیزه، سلام بر پرچم درخشان، سلام بر

الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ؛ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ

یاری شده تأیید گشته، سلام بر ابوالقاسم محمد، و رحمت

وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِ اللَّهِ

و برکات خدا سلام بر پیامبران مرسل خدا، و بندگان

الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، وَبِهَذَا

شایسته حق، سلام بر فرشتگان خدا، که مقیم اطراف این حرم و این

الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ. سِيسْ بِه نَزْدِيكَ قَبْرِ بَرُو وَ بَكُو: السَّلَامُ

ضریح و پناهندگان به آناند. سلام

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ ؛

بر تو ای جانشین، جانشینان، سلام بر تو ای تکیه گاه اهل تقوا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ ؛

سلام بر تو ای سرپرست اولیا، سلام بر تو ای آقای شهیدان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعُظْمَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَامِسَ

سلام بر تو ای نشانه بزرگ خدا، سلام بر تو ای پنجمین

أَهْلَ الْعِبَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيَاءِ ؛

اهل عبا، سلام بر تو ای پیشوای سپیدرویان با تقوا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ

سلام بر تو ای پناه اولیا، سلام بر تو ای زینت

الْمُوَحِّدِينَ النَّجَبَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخْلَاءِ ؛ السَّلَامُ

یکتاپرستان برگزیده، سلام بر تو ای خالص دوستان، سلام

عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَيْمَةِ الْأَمْنَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو ای پدر امامان امین، سلام بر تو ای صاحب

الْحَوْضِ ، وَحَامِلَ اللَّوَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَلَظَى ؛

حوض، و حامل کننده پرچم، سلام بر تو ای بخش کننده بهشت و دوزخ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای که مکه و منی به او شرافت یافت، سلام بر تو

يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْفَ (كَهْفِ) الْفُقَرَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

ای دریای دانشها، و پناه تهیدستان، سلام بر تو ای که در

وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ ، وَزَوَّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ ، وَكَانَ

کعبه به دنیا آمد، و در آسمان با سرور زنان ازدواج داده شد

شُهِدَهَا الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُصْبِحَ

و گواهانش فرشتگان برگزیده بودند، سلام بر تو ای چراغ

الضِّيَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ ؛

روشن، سلام بر تو ای که پیامبر به عطا بزرگ اختصاص داد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَوَقَاهُ

سلام بر تو ای که بر بستر خاتم پیامبران خوابیدی، و او را با جانش

بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ ،

از گزند دشمنان حفظ کرد، سلام بر تو ای که خورشید برایش بازگشت،

فَسَامِيَ شَمْعُونَ الصِّفَا ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى اللَّهُ

و همطراز شمعون صفا شد، سلام بر تو ای که خدا

سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَخِيهِ ، حَيْثُ التَّطَمَّ الْمَاءُ حَوْلَهَا

کشتی نوح را به اسم او و برادرش نجات داد، آنجا که آب در پیرامونش به خروش آمد

وَطَمَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَيَاخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ

و لبریز شد، سلام بر تو ای که خدا به وسیله او و برادرش توبه آدم را پذیرفت، زمانی که به

غَوَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النِّجَاةِ الَّذِي مَن رَكِبَهُ نَجَا ،

بیراهه شد، سلام بر تو ای کشتی نجاتی که هر کس متمسک به آن شد نجات یافت،

وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ

و هر که از آن پس ماند سرنگون گشت، سلام بر تو ای که با اژدها

وَذَنَبَ الْفَلَا ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و گرگ بیابان سخن گفت، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیر مؤمنان،

وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ كَفَرَ وَأَنَابَ ؛

سلام بر تو ای حجت خدا بر کسی که کافر شد، و بازگشت،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ ذَوِي الْأَلْبَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ

سلام بر تو ای پیشوای صاحبان خرد، سلام بر تو ای معدن

الْحِكْمَةِ وَفَصَلَ الْخِطَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ

حکمت و جداکننده بین حق و باطل، سلام بر تو ای که علم

الْكِتَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ ؛ السَّلَامُ

کتاب نزد اوست، سلام بر تو ای میزان روز حساب، سلام

عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ ، النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای فیصله بخش حکم، و گویای به درستی سلام بر تو

أَيُّهَا الْمُتَّصِدِّقُ بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى

ای صدقه‌دهنده انگشتر در محراب، سلام بر تو ای خدا در روز احزاب

اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

به وسیله تو جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد، سلام بر تو، ای که یگانگی را برای خدا

أَخْلَصَ لِلَّهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَأَنَابَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ حَيْبَرَ

خالص نمود و بازگشت، سلام بر تو ای قاتل خیبر

وَقَالَعِ الْبَابِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ

و گننده در، سلام بر تو ای که فرا خواند او را بهترین همه خلق، برای خوابیدن در بسترش،

عَلَى فِرَاشِهِ، فَاسْلَمَ نَفْسَهُ لِلمَنِيَّةِ وَأَجَابَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و او جان خود را تسلیم مرگ کرد و دعوت پیامبر را به جان خرید، سلام بر تو ای

مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَآبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ السَّلَامُ

که طوبی و سرانجام نیکو برای اوست، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام

عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ، وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای ولی زمام دین، و ای آقای آقایان، سلام بر تو

يَا صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ

ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای که در برتری اش

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ

سوره عادیات نازل شد، سلام بر تو ای که نامش در آسمان

عَلَى السُّرَادِقَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ؛

بر سر پرده‌ها نوشته شده، سلام بر تو ای آشکار کننده معجزات و نشانه‌ها،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا

سلام بر تو ای فرمانده جنگها، سلام بر تو ای خبر دهنده از

غَبْرٍ وَبِمَا هُوَ آتٍ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطَبَ ذُنُبِ الْفَلَوَاتِ؛

آنچه گذشته و از آنچه می آید، سلام بر تو ای مخاطب گناهان، بیابانها،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمَشْكِلَاتِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مهرزننده به سنگ ریزه، و بیان کننده مسائل مشکل، سلام بر تو

يَا مَنْ عَجَبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَعَى مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ ؛

ای که فرشتگان آسمانها از حملاتش در جنگ تعجب کردند،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَجَى الرَّسُولَ، فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَي نَجْوَاهُ

سلام بر تو ای که با پیامبر رازگویی نهان داشت و پیشاپیش رازگویی صدقه‌ها

الصَّدَقَاتِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ السَّادَاتِ ،

در راه خدا داد، سلام بر تو ای پدر اهل‌بیت نیکوکار و سروران،

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي الْمَبْعُوثِ ؛ السَّلَامُ

و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر تو ای دنباله‌رو پیامبر، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمٍ خَيْرٍ مَوْرُوثٍ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛

بر تو ای وارث دانش بهترین میراث‌گذار، و رحمت و برکات خدا بر او باد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ ؛

سلام بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای امام متقین؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای فریادرس حادثه‌دیدگان، سلام

عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْبَرَاهِينِ ؛

بر تو ای پناه مؤمنان، سلام بر تو ای آشکارکننده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَهَ (ط،ها) وَيَسَ (يا،سين) ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

دلایل، سلام بر تو ای طه و یس، سلام بر تو

يَا حَبَلَ اللَّهِ الْمُتَيْنِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ فِي

ای ریسمان محکم خدا، سلام بر تو ای که انگشترش رادر

صَلَاتِهِ ، بِجَنَاتِهِ عَلَى الْمَسْكِينِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ

نماز به مسکین صدقه داد، سلام بر تو ای برکننده سنگ

عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ ، وَمُظْهَرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

از دهانه چاه، و ظاهرکننده آب گوارا، سلام بر تو ای دیده

اللَّهِ النَّاطِرَةَ ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ ، وَلِسَانَهُ الْمُعْبِرَّعَنَهُ فِي بَرِّيَّتِهِ

نگرنده خدا، و دست گشوده‌اش، و زبان تفسیرکننده او در میان

أَجْمَعِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ، وَمُسْتَوْدَعَ

تمام آفریدگان، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، و خزانه

عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبِ لُؤَاءِ الْحَمْدِ، وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ

علم گذشتگان و آیندگان، و صاحب پرچم حمد، و ساقی اولیای خدا

مِنْ حَوْضِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ ،

از حوض خاتم انبیا، سلام بر تو ای رئیس دین،

وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ، وَوَالِدَ الْأَيْمَةِ الْمَرْضِيَّاتِ ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

و پیشوای سپیدرویان، و پدر امامان و پسنزیده، و رحمت

وَبَرَكَاتِهِ؛ السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنْبِهِ

و برکات خدا بر او باد، سلام بر نام پسندیده خدا، و جمال نورانی اش، و طرف

الْقَوِيِّ ، وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ؛ السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ

نیرومندش، و راه راستش. سلام بر امام پرهیزگار مخلص

الصَّفِيِّ؛ السَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ؛ السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ أَبِي

برگزیده. سلام بر ستاره درخشان، سلام بر امام

الْحَسَنِ عَلِيٍّ ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى ،

ابو الحسن علیّ و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر امامان هدایت

وَمَصَابِيحِ الدُّجَا ، وَأَعْلَامِ التَّقَى ، وَمَنَارِ الْهُدَى ، وَذَوَى النُّهَى ،

و چراغهای تاریکیها، و نشانه‌های پرهیزگاری، و مشعلهای هدایت، و صاحبان خرد،

وَكَهْفِ الْوَرَى ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ،

و پناهگاه مردم و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا،

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى نَوْرِ الْأَنْوَارِ ، وَحُجَّةِ الْجَبَّارِ ،

و رحمت و برکات خدا بر آنان. سلام بر نور انوار، و حجت جبار،

وَوَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ ، وَقَسَمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثَارِ ،

و پدر امامان پاک، و قسمت کننده بهشت و دوزخ، خبردهنده از آثار،

الْمُدْمِرِ عَلَى الْكُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشَّيْعَةِ الْمُخْلِصِينَ، مِنْ عَظِيمِ

فروریزنده مرگ بر کفار، نجات‌دهنده شیعیان مخلص از بارهای بزرگ

الأوزار. السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ ،

گناهان. سلام بر اختصاص یافته به بانوی پاک پرهیزگار دختر پیامبر مختار،

المُولُودِ فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتارِ ، الْمَرْوَجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبَرَّةِ

ولادت یافته در کعبه صاحب پردهها تزویج شده در آسمان به بانوی

الطَّاهِرَةِ ، الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ ، وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ ، وَرَحْمَةُ

نیکوکار پاک پسندیده مرضیه مادر امامان پاک، و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى النَّبِ الْعَظِيمِ ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ،

و برکات خدا بر او باد. سلام بر خبیر بزرگ که امت در حقش اختلاف کردند،

وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ ؛ السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ ،

و امت بر آن عرضه شوند، و از آن بازخواست گردند. سلام بر نور نور خدا،

وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ

و روشنایی روشن ترش، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر توای ولی

اللَّهِ وَحُجَّتِهِ ، وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ

خدا، و حجّت و بنده خالص و خاص حق، من گواهی می‌دهم که توای ولی خدا

وَحُجَّتَهُ ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، وَاتَّبَعْتَ

همانا در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته، و از راه رسول خدا

مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ ،

(درود خدا بر او و خاندانش باد) پیروی نمودی، و حلال دانستی حلال خدا را،

وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ ، وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ ، وَاقَمْتَ الصَّلَاةَ ،

و حرام دانستی حرام خدا را، و تشریح کردی احکام الهی را، و بپا داشتی نماز را،

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ،

و پرداختی زکات را، و به معروف امر کردی و از منکر نهی نمودی،

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، صَابِرًا نَاصِحًا مُجْتَهِدًا ، مُحْتَسِبًا عِنْدَ

و در راه خدا به جهاد برخاستی با صبر و خیرخواهی و سخت کوشی، و حسابگر پاداش

اللَّهِ عَظِيمِ الْأَجْرِ ، حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنِ

بزرگ نزد خدا، تا مرگت فرا رسید، خدا لعنت کند کسی را که از

حَقِّكَ ، وَأَزَالَكَ عَن مَّقَامِكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَن بَلَغَهُ ذَلِكَ

حَقَّتْ مَنَعُ كَرْد، وَاذ مَقَامَتِ كَنَارِ گِذَاشَت، وَاذ لَعْنَتِ كَنَدِ كَسِي رَا كِه اَيْنِ اِخْبَارِ بِه اَوْ رَسِيدِ وَ بِه اَنْ

فَرَضِي بِهِ ؛ أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ ، أَنِّي وَوَلِيِّ

خَشَنُودِ شُد. خُدا وَ فَرَشْتگان وَ پيامبران وَ رُسولانِش رَا شَاهِدِ مِي گيريم، كِه مَن دُوستم

لِمَن وَالِيَاكَ ، وَعَدُوٌّ لِمَن عَادَاكَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

بَا كَسِي كِه تُو رَا دُوست دَارِد، وَ دُشمنم بَا اَن كِه تُو رَا دُشمن دَارِد. سَلام وَ رَحمت وَ بَرَكَات

وَبَرَكَاتُهُ . سِپَسِ خُودِ رَا بِه قَبْرِ بَچَسْبَانِ ، وَ اَنْ رَا بَبُوسِ وَ بَگو:

خُدا بَر اُو بَاد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي ، وَتَشْهَدُ مَقَامِي ، وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَوَلِيِّ

شَهَادَتِ مِي دَهم كِه سَخنم رَا مِي شَنُوي وَ جَايم رَا مِي بَيني، وَ دُربارَهاتِ شَهَادَتِ مِي دَهم اِي وَليّ

اللَّهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ ؛ يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ ، يَا أَمِينَ اللَّهِ ، يَا وَوَلِيِّ

خُدا، بِه رِساندنِ دَينِ بِه مَردمِ وَا دَا كَردنِ وَظيفه، اِي مَولايِ مَن. اِي حُجَّتِ خُدا، اِي اَمينِ خُدا، اِي وَليّ

اللَّهِ ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا ، قَدْ أَثْقَلْتَ ظَهْرِي ،

خُدا، هَمانا مِيانِ مَن وَ خُدايِ عَزَّ وَ جَلَّ گِناهايِ اِست كِه پِشتم رَا سَنگينِ كَرده،

وَمَنْعَتِي مِنَ الرَّقَادِ ، وَذِكْرُهَا يُقْلِقِلُ أَحْشَائِي ، وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى

وَازِ خُوابِ اَرَامِ مَناعمِ گِشته، وَ يادِ اِنها اَعْضايِ دَرونمِ رَا مِي لِرزانَد، البَته مَن بِه سَوي

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَلِيِّكَ ، فَبِحَقِّ مَنِ اِثْتَمَنَّاكَ عَلَيَّ سِرِّهِ ،

خُدايِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِه جَانِبِ تُو گِريخته ام، بِه حَقِ كَسِي كِه تُو رَا اَمينِ بَر رازِ خُودِ نَمُود،

وَاسْتَرَعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ ، وَقَرْنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ ، وَمُؤَالَاتِكَ

وَ سِرپرستيِ كَارِ خَلقِشِ رَا بِه تُو وَا نِهاد، وَ طاعَتِشِ رَا بِه طاعَتِ تُو مَقرونِ كَرِد، وَ دُوستي اشِ رَا بِه

بِمُؤَالَاتِهِ ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا ، وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا ، وَعَلَى

دُوستي تُو پيوندِ داد، بَر ايمِ بِه دَرگاهِ خُدا شَفيع، وَازِ اَتشِ دُوزخِ پِناه، وَ دَر رُوزگارِ

الدَّهْرِ ظَهِيرًا . بازِ خُودِ رَا بِه قَبْرِ بَچَسْبَانِ وَ اَنْ رَا بَبُوسِ وَ

پِشْتِبانِ باش.

بَگو: يَا وَوَلِيِّ اللَّهِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ ، يَا بَابَ حِطَّةِ اللَّهِ ، وَلِيَّكَ وَزَائِرُكَ ،

اِي وَليّ خُدا، اِي حُجَّتِ خُدا، اِي دَرگاهِ مَغفرتِ خُدا، دُوستتِ وَ زائِرَت،

وَاللَّائِدُ بِقَبْرِكَ، وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جَوَارِكَ،

و پناهنده به قبرت، و فرود آمده به درگاهت، و بارانداز و کامیاب شدن به خواسته اش در جوارت،

يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، وَنَجْحِ طَلِبَتِهِ

از تو درخواست می کند، که برایش به پیشگاه خدا، در بر آمدن حاجتش، و کامیاب شدن به خواسته اش

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ، وَالشَّفَاعَةَ

در دنیا و آخرت شفاعت کنی، همانا برای تو نزد خدا منزلتی بزرگ و شفاعت

الْمَقْبُولَةَ، فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ مَوْلَاكَ، وَادْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ؛

پذیرفته شده است، ای مولای من مرا از موارد توجه خود قرار ده، و در حزب خود وارد کن،

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

و سلام بر تو، و بر دو آرمیده در کنار تو آدم و نوح، و سلام بر تو

وَعَلَىٰ وَلَدَيْكَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَىٰ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ

و بر دو فرزندت حسن و حسین و بر امامان پاک از

ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

نسلت، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زیارت بجای آر، دو رکعت برای امیرمؤمنان علیه السلام و دو رکعت برای جناب آدم علیه السلام و دو رکعت برای حضرت نوح علیه السلام و خدا را بسیار بخوان که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله تعالی. مؤلف گوید: صاحب کتاب «مزار کبیر» گفته: این زیارت را باید در هفدهم ربیع الاول هنگام طلوع آفتاب خواند و علامه مجلسی رحمته الله علیه فرموده: این زیارت در میان زیارات بهترین زیارت است و به سندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است و ظاهر بعضی

از روایات است که اختصاصی به این روز ندارد، هر وقت که این زیارت را بخوانند خوب است. مؤلف گوید: اگر کسی بگوید: چگونه است که در روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا مبعث آن حضرت، زیارت امیرمؤمنان علیه السلام وارد شده است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این دو روز زیارت نیست، با آنکه سزاوار بود، زیارت مخصوصی در این اوقات برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده باشد؟ جواب گوئیم که این به خاطر شدت اتصال این دو بزرگوار و کمال اتحاد این دو نور پاک با هم است، که هر که امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده و شاهد بر این حقیقت از قرآن آیه «أَنْفُسَنَا» است، «و آن حضرت در آیه مباحله جان مصطفی است و غیر او جان وی نیست» و نیز شاهد آن از معارف اسلامی بسیاری از روایات است. از جمله شیخ محمد بن مهدی از امام صادق علیه السلام روایت کرده: مردی اعرابی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شد، عرضه داشت: یا رسول الله، منزل من از منزل تو دور است، من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم، چون به دیدنت می آیم ملاقاتت برایم حاصل نمی شود، علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت می کنم، آن جناب مرا به حدیث و مواعظ خود مانوس

می کند، پس از آن به خاطر ندیدن تو با حالت اندوه و حسرت برمی گردم، فرمود: هر که علی را زیارت کند مرا زیارت کرده، و هر که او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته، این مطالب را از جانب من به قوم خود ابلاغ کن و هر که به زیارت او برود، به تحقیق نزد من آمده و من و جبرئیل و صالح مؤمنان، او را در روز قیامت جزا خواهیم داد. در حدیث معتبری از امام صادق علیه السلام روایت شده است: چون جانب نجف را زیارت کنی، زیارت کن استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب علیه السلام را که به این زیارت، زیارت کرده‌ای پدران گذشته و محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران و علی علیه السلام بهترین اوصیا را و در زیارت ششم گذشت که فرمودند: رو به قبر امیرمؤمنان علیه السلام بایست و بگو: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ». الی غیر ذلك. به راستی که زیبا سروده شیخ جابر در نوعی تضمین خود به قصیده از رویه در حال اشاره به گنبد علوی:

فَاعْتَمِدْ لِلنَّبِيِّ اعْظَمَ رَمْسٍ فِيهِ لِلطُّهْرِ أَحْمَدِ أَيُّ نَفْسٍ

تکیه کن به بزرگترین

قبر برای پیامبر

که در آن احمد پاک

را چه جانی مدفون است

أَوْتَرَى الْعَرْشَ فِيهِ أَنْوَرُ شَمْسٍ فَتَوَاضَعَ فَثَمَّ دَارَةٌ قُدْسٍ

یا عرش خدا را یعنی که در آن نورانی ترین خورشید است پس تواضع کن که آنجا خانه پاکی است

تَتَمَنَّى الْأَفْلَاكُ لَثَمَ ثَرَاهَا

افلاک بوسیدن خاکش را آرزو کنند

و حکیم سنایی گفته:

مرتضایی که کرد یزدانش	همره جان مصطفی جانش
هر دو یک قبله و خردشان دو	هر دو یک روح کالبدشان دو
دو رونده چو اختر گردون	دو برادر چو موسی و هارون
هر دو یک دُرّ یک صدف بودند	هر دو پیرایه شرف بودند
تا نه بگشاد علم حیدر در	ندهد سنت پیمبر بر

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در مبعث

سومین زیارت از زیارات مخصوصه حضرت امیرمؤمنان علیه السلام زیارت شب مبعث و روز آن است، یعنی شب بیست و هفتم رجب و روز آن که در آن سه زیارت وارد است: اول: زیارت رجبیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ» که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب، در هر یک از مشاهد مشرفه خوانده می شود، ولی صاحب کتاب «مزار قدیم» و شیخ محمد بن مهدی آن را نیز از زیارت مخصوصه شب مبعث شمرده اند چون آن زیارت را خواندی، فرموده اند: بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور، و هرچه خواهی دعا کن.

دوم: زیارت «السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَمَعْدِنِ النَّبُوَّةِ» است، که علامه مجلسی آن را زیارت هفتم کتاب «تحفه» قرار داده است. و صاحب کتاب «مزار قدیم» گفته است، مختص به شب بیست و هفتم رجب است، چنان که ما آن را در «هدیه الزائر» ذکر کردیم. سوم: زیارتی است که شیخ مفید و سید و شهید نقل کرده اند، به این صورت که چون در شب مبعث یا روز آن، خواستی امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کنی، بر در بارگاه

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

شریفش مقابل قبر آن حضرت بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، و شهادت می‌دهم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

که محمد بنده و فرستاده اوست، و علی بن ابیطالب، امیر مؤمنان

عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ، وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ،

بنده خدا، و برادر رسول اوست، و امامان پاک از فرزندان

حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.

حجت‌های خدا بر خلق اویند.

پس وارد شو، و نزدیک قبر آن حضرت بایست، به طوری که رویت به جانب قبر، و پشت به قبله باشی، آن گاه صد

مرتبه الله اکبر بگو و بخوان: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ

سلام بر تو ای وارث آدم

خَلِيفَةَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

جانشین خدا، سلام بر تو ای وارث نوح برگزیده خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث

مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ؛

موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای وارث محمد سرور رسولان خدا، سلام بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ؛ السَّلَامُ

ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در مبعث

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ

بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ؛

جهانیان، سلام بر تو ای وارث دانش پیشینیان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ

سلام بر تو ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای راه

الْمُسْتَقِيمِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيمُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

راست، سلام بر تو ای پیراسته بزرگوار، سلام بر تو

أَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ ؛ السَّلَامُ

ای جانشین پرهیزگار، سلام بر تو ای پسندیده پاک، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِيُّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ ؛

بر تو ای ماه نوربخش، سلام بر تو ای بزرگترین صدیق،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر تو ای بزرگترین جداکننده حق و باطل، سلام بر تو ای

السِّرَاجُ الْمُنِيرُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

چراغ نورافشان، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای

يَا عِلْمَ التَّقَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَى ؛ السَّلَامُ

پرچم پرهیزگاری، سلام بر تو ای حجت بزرگتر خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ ، وَآمِينَ اللَّهُ وَصَفْوَتَهُ ، وَبَابَ

بر تو ای بنده خاص و خالص حق، و آمین و برگزیده خدا و درگاه

اللَّهِ وَحُجَّتَهُ ، وَمَعْدِنَ حُكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ ، وَعَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ

خدا، و معدن حکم خدا، و راز و گنجینه علم

وَخَازِنَهُ ، وَسَفِيرَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ،

و خزانه دار و سفیر خدا در میان بندگان، شهادت می دهم که تو نماز را بپا داشتی،

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ،

و زکات را پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی،

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ، وَبَلَغْتَ عَنِ

و قرآن را تلاوت نموده آنگونه که شایسته تلاوت است، و از جانب خدا دین را به مردم رساندی،

اللَّهِ ، وَوَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ ، وَجَاهَدْتَ فِي

و به پیمان خدا وفا کردی، و کلمات خدا به وسیله تو کامل شد، و در راه

اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

خدا جهاد کردی جهادی شایسته، و برای خدا و رسولش (درود خدا بر او و خاندانش باد) خیر خواهی نمودی،

وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا ، مُجَاهِدًا عَنِ دِينِ اللَّهِ ، مُوقِفًا

و به جانبازی برخاستی، با صبر و برای خدا، در حالی که دفاع کننده بودی از دین خدا، و حفظ کننده جان

لِرَسُولِ اللَّهِ ، طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ ، رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ ، وَمَضَيْتَ

رسول خدا، خواهان آنچه نزد خداست، مشتاق به آنچه خدا وعده داد، و از جهاد رفتی

لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا ، وَشَاهِدًا وَمَشْهُودًا ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

بر روشنی که بر آن بودی، حاضر و گواه و گواهی شده، خدا پاداش دهد از جانب

رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ ، مِنْ صَدِيقٍ أَفْضَلِ الْجَزَاءِ .

پیامبرش، و از سوی اسلام و اهلس از چنین صدیقی! برترین پاداشها،

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا ، وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا ،

شهادت می دهم تو اولین فرد ملت بودی در اسلام، و خالص ترینشان در ایمان،

وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا ، وَأَخَوْفَهُمْ لِلَّهِ ، وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً ، وَأَحْوَطَهُمْ

و شدیدترینشان در یقین، و ترسنده ترینشان از خدا، و بزرگترینشان در قبول زحمت، و با احتیاط ترینشان نسبت

عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ ،

به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و برترینشان در فضائل،

وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ ، وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً ، وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزِلَةً ،

و زیادترینشان در سوابق، و بلندترینشان در درجه، و شریف ترینشان در منزلت،

وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ ، فَقَوِيَّتَ (قَوِيَّتَ) حِينَ وَهَنُوا ، وَكَزِمْتَ

و بزرگوار ترینشان در پیشگاه او، پس نیرومند بودی هنگامی که مردم سست بودند، و ملازم

مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ [وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ

بودی راه رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را، و شهادت می دهم که تو جانشین پیامبر بودی،

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در معبث

خَلِيفَتَهُ حَقًّا، لَمْ تُنَازِعْ بِرِغَمِ الْمُنَافِقِينَ ، وَغَيْظِ الْكَافِرِينَ ،

جانشینی بر حق، در این امر به رِغَمِ خواهش منافقان و خشم کافران،

وَضِعْنِ الْفَاسِقِينَ ، وَقَمْتِ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا ، وَنَطَقْتَ حِينَ

و کینه فاسقان، و تو را کشمکش می نمود، به کار حکومت قیام کردی، هنگامی که آنها کاهلی کردند و نطق

تَتَعْتَعُوا ، وَمَضَيْتِ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا ، فَمَنْ اتَّبَعَكَ فَقَدْ

کردی، زمانی که آنان از سخن گفتن دم زدند، و به نور خدا پیش رفتی، آن زمان که آنها توقف کردند، پس

اهْتَدَى (هُدًى) ، كُنْتَ أَوْلَهُمْ كَلَامًا ، وَأَشَدَّهُمْ خِصَامًا ،

هر که تو را پیروی کرد راه یافت، تو اول آنان بودی در سخن گفتن، و سخت ترینشان در دفاع،

وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقًا ، وَأَسَدَّهُمْ رَأْيًا ، وَأَشَجَعَهُمْ قَلْبًا ، وَأَكْثَرَهُمْ

و درست ترینشان در گفتار، و استوارترینشان در رأی، و شجاع ترینشان در قلب، و زیادترینشان

يَقِينًا ، وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا ، وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ ، كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ

در یقین، و نیکوترینشان در عمل، و آگاه ترینشان به امور، برای اهل ایمان

أَبَا رَحِيمًا ، إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا ، فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ

پدری مهربان بودی، زمانی که تدبیر امورشان به دست تو افتاد پس تو به دوش کشیدی، آنچه آنان از آن

ضَعُفُوا ، وَحَفِظْتَ مَا أَضَاعُوا ، وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا ، وَشَمَّرْتَ

ناتوان شدند، و حفظ کردی آنچه را آنها ضایع نمودند، و رعایت کردی آنچه را آنها فرو گذاردند، و دامن همت

إِذْ جَبُنُوا ، وَعَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا ، وَصَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا ، كُنْتَ عَلَى

به کمزری زمانی که ترسیدند، و برتر شدی وقتی آزمون شدند، و صبر کردی آنگاه که صبر نکردند، بر

الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا ، وَغِلْظَةً وَغَيْظًا ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ غِيثًا

کافران عذابی ریزان بودی و شدید و خشمگین، و برای مؤمنان باران

وَخِصْبًا وَعِلْمًا ، لَمْ تُفَلِّلْ حُجَّتَكَ ، وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ ، وَلَمْ تَضْعُفْ

رحمت و نعمت فراوان و دانش بی پایان بودی، دلالت بی کند نشد، دلت منحرف نگشت،

بَصِيرَتُكَ ، وَلَمْ تَجِبْنِ نَفْسُكَ ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ

بصیرتت به ناتوانی ننشست، وجودت نترسید، مانند کوه بودی که تندبادها

الْعَوَاصِفُ ، وَلَا تُرِيْلُهُ الْقَوَاصِفُ ، كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ،

حرکتش ندهد، و شکننده ها از جا برش ندارد، آنچنان بودی که رسول خدا

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوِيًّا فِي بَدَنِكَ ، مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ ، عَظِيمًا

(درود خدا بر او و خاندانش باد) فرمود: قوی در بدن، فروتن پیش خود، عظیم

عِنْدَ اللَّهِ ، كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ ، جَلِيلًا فِي السَّمَاءِ ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ

نزد خدا، بزرگ در زمین، با عظمت در آسمان، برای احدی درباره تو جای طعنه زدن نبود، و برای گوینده‌ای

فِيكَ مَهْمَزٌ ، وَلَا لِقَائِلٍ فِيكَ مَعْمَزٌ ، وَلَا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ ،

در حقت زمینه عیب‌جویی وجود نداشت، و برای خلق نسبت به تو برای خواسته‌های باطلشان جای طمعی،

وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ ، يُوَجِّدُ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيًّا

و نه کسی را پیش تو توقع نرمشی، ناتوان و خوار نزد تو، نیرومند و عزیز به

عَزِيزًا ، حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحِقِّهِ ، وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفًا

حساب می‌آید، تا حقش را به نفع او بگیری، و نیرومند و عزیز پیش تو، ناتوان

(ذَلِيلًا) ، حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ ، الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ

و خوار شمرده می‌شد تا حق را از چنگ او درآوری نزدیک و دور نزد تو

فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ ، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ ، وَقَوْلُكَ

در این زمینه برابرند، کار تو حق و درستی و خوشرفتاری است، و گفته‌ات

حُكْمٌ وَحَتْمٌ ، وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَحَزْمٌ (وَجَزْمٌ) ،

حکم و حتم، دستورت بردباری و تصمیم، و رأیت دانش و تدبیر، دین به تو

إِعْتَدَلَ بِكَ الدِّينُ ، وَسَهَّلَ بِكَ الْعَسِيرُ ، وَأَطْفَيْتَ [بِكَ]

اعتدال یافت، و سختی به تو آسان شد، و آتشها به وسیله تو

النِّيرَاتُ ، وَقَوَى بِكَ الْإِيْمَانُ ، وَثَبَّتَ بِكَ الْإِسْلَامُ ، وَهَدَّتْ

خاموش گشت، و ایمان به جناب تو و نیرومندی یافت، و اسلام به تو پایدار شد،

مُصِيبَتُكَ الْإِنَامَ ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . لَعْنُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ ،

و مصیبتت مردم را درهم شکست، پس ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت،

وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ خَالَفَكَ ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ ، وَلَعْنُ

و آن که با تو مخالفت ورزید، و آن که به تو دروغ بست، و آن که بر تو

اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ ، وَغَضَبَكَ حَقَّكَ ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ

ستم روا داشت، و حقت را غصب کرد، و خدا لعنت کند کسی را که این خبر به او رسید

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در معبث

فَرَضِي بِهِ ؛ اِنَّا اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ بُرَاءٌ ؛ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَالَفَتْكَ .

و به آن خشنود شد، ما با توجه به خدا از ایشان بیزاریم، خدا لعنت کند ملتّی را که با تو مخالفت ورزیدند،

وَجَحَدَتْ وَايَتَكَ ، وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَقَتَلَتْكَ ، وَحَادَتْ

و ولایت را انکار نمودند، و بر علیه تو به هم کمک رساندند و تو را کشتند، و از تو منحرف شده، و از یاریات

عَنكَ وَخَذَلَتْكَ . الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ ، وَبَسَّسَ

دریغ کردند، خدا را سپاس که آتش را جایگاه آنان قرار داد، و چه جایگاهی است

الْوَرْدُ الْمُرُودُ ؛ اَشْهَدُ لَكَ يَا وِليَّ اللّٰهِ وَوِليَّ رَسُوْلِهِ ، صَلَّى اللّٰهُ

برای واردشدگان، برایت شهادت می دهم ای ولیّ خدا، و ولیّ رسولش (درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْاَدَاءِ (وَالنَّصِيْحَةِ) ، وَاشْهَدُ اَنَّكَ حَبِيْبٌ

بر او و خاندانش باد) به رساندن پیام حق، و ادای وظیفه، و شهادت می دهم که تو حبیب

(جَنِبٌ) اللّٰهِ وَبَابِهِ ، وَاَنَّكَ جَنِبٌ (حَبِيْبٌ) اللّٰهِ ، وَوَجْهُهُ الَّذِي

و درگاه و همراه خدایی، و سویه‌ای هستی که از آن به جانب

مِنْهُ يُوْتِي ، وَاَنَّكَ سَبِيْلُ اللّٰهِ ، وَاَنَّكَ عَبْدُ اللّٰهِ وَاخُو رَسُوْلِهِ ،

خدا می آیند، و تویی راه خدا، و تویی بنده خدا، و برادر رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ اَتَيْتُكَ زَائِرًا لِعَظِيْمِ حَالِكَ ، وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ

(درود خدا بر او و خاندانش باد) به نزدت آمده‌ام، زیارت کننده به خاطر بزرگ بودن حال و منزلتت نزد

اللّٰهِ وَعِنْدَ رَسُوْلِهِ ، مُتَقَرِّبًا اِلَى اللّٰهِ بِزِيَارَتِكَ ، رَاغِبًا اِلَيْكَ فِي

خدا و رسولش، و به زیارتت به سوی خدا تقرب می جویم مشتاق به سوی توام، در

الشَّفَاعَةِ ، اَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خُلَاصَ نَفْسِي ، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ

شفاعت، به شفاعتت رهایی خویش را می طلبم، از آتش به تو

النَّارِ ، هَارِبًا مِنْ ذُنُوْبِي ، الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلٰى ظَهْرِي ، فَرِعًا

پناهنده‌ام از گناهانم که بر پشت خود بار کرده‌ام گریزانم، هر اسان به سوی توام، درحالی که

اِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي ؛ اَتَيْتُكَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ اِلَى اللّٰهِ ،

امید به رحمت پروردگار دارم، به سوی تو آمده‌ام، تو را به جانب خدا به شفاعت می گیرم ای مولایم.

وَاتَقَرَّبُ بِكَ اِلَيْهِ لِيَقْضَى بِكَ حَوَائِجِي ، فَاشْفَعْ لِي يَا اَمِيْرَ

تقرب می جویم به وسیله تو به خدا، تا به عنایت تو حاجاتم برآورده شود، ای امیر مؤمنان مرا

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ

به درگاه خدا شفاعت کن، من بنده خدا، و دوست و زائر تو هستم، برای تو نزد

اللَّهِ الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

خدا مقام معلوم و منزلت و مقام بزرگ و شفاعت پذیرفته است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى عَبْدِكَ

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و درود فرست بر بنده

وَأَمِينِكَ الْآوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَتِكَ

و امین وفادارت، و دست اویز محکم و دوست برترت، و کلمه

الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى، وَصِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ، سَيِّدِ

نیکو تر و حجت بر بندگان و صدیق اکبر و سرور

الْأَوْصِيَاءِ، وَرُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

جانشینان و پایه اولیا و تکیه گاه برگزیدگان، امیر مؤمنان

وَيَعْسُوبِ الْمُتَّقِينَ، وَقُدُورَةِ الصِّدِّيقِينَ، وَإِمَامِ الصَّالِحِينَ،

در پیش پرهیزگاران، و مقتدای صدیقان، و پیشوای شایستگان،

الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ، وَالْمَفْطُومِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمَهْدَبِ مِنَ

آن معصوم از لغزشها، و بریده از نقایص، و پیراسته از

الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، أَخِي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ،

عیب، و پاک از شک، برادر پیامبرت، و جانشین رسولت،

وَالْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكَاشِفِ

و خوابیده بر بسترش، و کمک دهنده به پیامبر با جانش، و برطرف کننده

الْكُرْبِ عَن وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفًا لِنُبُوتِهِ، وَمُعْجَزًا

اندوه از چهره اش، آن که او را قرار دادی شمشیری برای نبوتش و معجزه ای

لِرِسَالَتِهِ، وَدَلَالَةً وَاضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحَامِلًا لِرَأْيَتِهِ، وَوَقَايَةً

برای رسالتش و دلالتی روشن برای حجتش، و حمل کننده پرچمش، و نگهدارنده

لِمُهْجَتِهِ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًّا لِأَسِهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا

جانش، و راهنمایی امتش، و قدرت برای نبردش، و تاجی بر سرش و درگاهی

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در معبث

لِنَصْرِهِ ، وَمِفْتَاحًا لِظَفَرِهِ ، حَتَّى هَزَمَ جُنُودَ الشِّرْكِ بِأَيْدِكَ ،

برای یاری اش و کلیدی برای پیروزی اش، تا سپاهیان شرک را با یاریات شکست داد،

وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ ، وَبَدَّلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاتِكَ

و اردوهای کفر را به دستورت نابود ساخت و جانش را در راه خشنودی تو

وَمَرْضَاةِ رَسُولِكَ ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ ، وَمِجْنًا دُونَ

و رسالت بخشید، و آن را وقف بر اطاعت او، و سپهری در برابر گرفتاریهای

نَكْبَتِهِ ، حَتَّى فَاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ ،

پیامبر قرار داد، تا جان پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش باد) در میان مشت او برآمد،

وَاسْتَلَبَ بَرْدَهَا ، وَمَسَحَهُ عَلَى وَجْهِهِ ، وَأَعَانَتْهُ مَلَائِكَتُكَ

و از خنکی آن را در ربود، و بر چهره خود کشید، و فرشتگان او را

عَلَى غُسْلِهِ وَتَجْهِيزِهِ ، وَصَلَّى عَلَيْهِ ، وَوَارَى شَخْصَهُ ، وَقَضَى

بر غسل و تجهیز رسول خدا کمک کردند، آن حضرت بر پیامبر نماز خواند، و جنازه اش را در خاک گذاشت، و قرض

دَيْنَهُ ، وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ ، وَلَزِمَ عَهْدَهُ ، وَاحْتَدَى مِثَالَهُ ، وَحَفِظَ

او را ادا کرد، و به وعده اش وفا نمود، و ملازم پیمانش شد، و پا جای پایش نهاد، و وصیتش

وَصِيَّتَهُ ، وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا ، نَهَضَ مُسْتَقِيلًا بِأَعْبَاءِ الْخِلَافَةِ ،

را حفظ کرد، و زمانی که یاورانی برای خود یافت، خود به کارهای سنگین خلافت قیام کرد،

مُضْطَلِعًا بِأَثْقَالِ الْإِمَامَةِ ، فَنَصَبَ رَايَةَ الْهُدَى فِي عِبَادِكَ ،

در حالی که با قدرت تمام بارهای گران امامت را به دوش کشید، پس پرچم هدایت را در میان بندگان برافراشت،

وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي بَرِّيَّتِكَ ، وَحَكَمَ

و جامه امنیت را در کشورهایت گشود، و عدالت را در میان مخلوقاتت گستراند، در بین مردم

بِكِتَابِكَ فِي خَلِيقَتِكَ ، وَأَقَامَ الْحُدُودَ ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ ، وَقَوَّمَ

به قرانت حکومت کرد، و مقررات را بر پا نمود، و انکار را مقهور و خوار کرد، کجی را

الزَّيْغَ ، وَسَكَّنَ الْغَمْرَةَ ، وَأَبَادَ الْفِتْرَةَ ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ ، وَقَتَلَ

راست نمود، و فتنه را آرام ساخت، و سستی را به نابودی کشید، و شکاف اجتماعی را بست، و

النَّاكِثَةَ وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ ، وَلَمْ يَزَلْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ،

پیمان شکنان و ستمکاران و خارج شدگان از دین را کشت، و همواره زندگی کرد بر راه و روش رسول خدا

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَتِيرَتِهِ، وَلُطْفِ شَاكِلَتِهِ، وَجَمَالِ سِيرَتِهِ،

(درود خدا بر او و خاندانش باد) و طریق او، و نرمی خوی او، و زیبایی روش او،

مُقْتَدِيًا بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقًا بِهَمَّتِهِ، مُبَاشِرًا لِطَرِيقَتِهِ، وَآمِثْلَتُهُ

درحالی که به روشش اقتدا کرد، و به عزتش آویخت، و عهده دار طریق او شد، و نمونه‌های

نَصَبُ عَيْنِهِ، يَحْمِلُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا، وَيَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا إِلَى أَنْ

عالی کارهای حضرتش را نصب العین خود قرار داد. بندگانت را به آن کارها وادار می کرد، و به آن امور دعوت می نمود،

خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ . اَللّٰهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤْثِرْ فِي

تا وقتی که محاسنش به خون سرش رنگین شد. خدایا همچنانکه او در

طَاعَتِكَ شَكًّا عَلَى يَقِينٍ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ، صَلَّى عَلَيْهِ

طاعت تو شک را بر یقین ترجیح نداد، و به اندازه چشم برهم زدنی بر تو شرک نیاورد، بر او درود فرست درودی

صَلَاةً زَاكِيَةً نَامِيَةً، يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ فِي جَنَّتِكَ، وَبَلِّغْهُ

پاکیزه، روینده که به وسیله آن در بهشت به درجه نبوت برسد، و از جانب ما به او

مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَاحْسَانًا،

درود و سلام برسان، و عنایت کن به ما از جانب خود، در دوستی‌اش فضل و احسان

وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا

و مغفرت و خشنودی را، که تو دارنده فضل تنومندی، به مهربانی‌ات ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهربان‌ترین مهربانان.

سپس ضریح را ببوس، و طرف راست صورت خود را بر آن

بگذار و پس از آن جانب چپ را، آنگاه به سوی قبله برگرد،

و نماز زیارت بجای آر، و پس از نماز هرچه خواهی دعا

کن، و بعد از گفتن تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ وَرَسُوْلِكَ، مُحَمَّدٍ

خدایا تو بر پیامبر و رسولت محمد

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در معبث

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ

(درود تو بر او و خاندانش) به من بشارت دادی و فرمودی: «و بشارت ده کسانی را که ایمان آوردند، که برای آنان است

صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾. اَللّٰهُمَّ وَاِنِّىْ مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ

نزد پروردگارشان قدم راستی. «خدایا من به همه پیامبران

وَرُسُلِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، فَلَا تَقِنِّىْ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا،

و رسولانت (درود تو بر ایشان) مؤمنم، پس از معرفت به آنان

تَفَضَّحْنِىْ فِيْهِ عَلٰى رُؤُوسِ الْاَشْهَادِ، بَلْ قِنِّىْ مَعَهُمْ،

در موقعیتی قرارم مده که در بر مردم رسوایم سازی، بلکه مرا با آنان قرار ده،

وَتَوَفَّنِىْ عَلٰى التَّصْدِيقِ بِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ خَصَّصْتَهُمْ

و با تصدیق به آنان بمیران. خدایا تو آنان را مخصوص

بِكِرَامَتِكَ، وَاَمَرْتَنِىْ بِاتِّبَاعِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَاِنِّىْ عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ،

به کرامت گرداندی، و مرا به پیروی از ایشان فرمان دادی. خدایا من بنده و زائر توام،

مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ بِزِيَارَةِ اَخِي رَسُوْلِكَ، وَعَلٰى كُلِّ مَاتِيٍّ وَمَزُوْرٍ حَقٌّ

به تو تقرب می جویم با زیارت برادر رسولت، و بر هر آمده‌ای و زیارت شده‌ای، برای کسی که به نزد او آمده

لِمَنْ اَتَاهُ وَزَارَهُ، وَاَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ، وَاَكْرَمُ مَزُوْرٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اَللّٰهُ

و زیارت کرده حقی است، و تو بهترین دیدار شده، و بزرگوارترین زیارت شده‌ای، پس از تو درخواست می کنم ای خدا،

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ، يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ، يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ

ای مهربان، ای بخشنده، ای جواد، ای بزرگوار، ای یکتا، ای بی نیاز، ای کسی

لَمْ يَلِدْ وَّلَمْ يُوَلَدْ، وَّلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ، وَّلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

که نزاده و زائیده نشده، و احدی همتایش نبوده، و همسر

وَلَا وَلَدًا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ

و فرزندی برنگرفته، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی تحفیات

اِيَّائِىْ مِنْ زِيَارَتِيْ اَخَا رَسُوْلِكَ، فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِيْ مِنَ النَّارِ،

را برایم در زیارتم نسبت به رسولت رهایی از آتش دوزخ،

وَاَنْ تَجْعَلَنِيْ مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَيَدْعُوْكَ رَغْبًا وَرَهْبًا،

و قرارم دهی از آنان که به سوی خیرات می شتابند، و تو را با امید و بیم می خوانند،

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و مبعث

وَتَجْعَلَنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ ، بِزِيَارَةِ

و از خشوع کنندگان برای خود مقررم داری. خدایا بر من منت نهادی به زیارت

مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ ، وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ ، فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

مولایم علی بن ابیطالب و به ولایت و معرفتش، پس قرارم ده از کسانی که او را

يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ ، وَمَنْ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِديْنِكَ . اَللّٰهُمَّ

یاری می کند، و از او یاری می ستانند، و بر من منت بده به یاری ات برای دین. خدایا

وَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَتِهِ ، وَتَوَفَّنِي عَلَى دِينِهِ . اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لِي

مرا از شیعیانش قرار ده و بر دینش بمیران. خدایا برای من واجب گردان،

مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالْاِحْسَانِ ، وَالرِّزْقِ

از رحمت و خشنودی و مغفرت و احسان و روزی

الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ ؛ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ،

وسیع حلال پاکیزه، آنچنان که تو شایسته آنی، ای مهربان ترین مهربانان،

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . مؤلف گوید: در روایت معتبر آمده

و سپاس خدای را پروردگار جهانیان.

حضرت خضر علیه السلام روز شهادت امیرمؤمنان علیه السلام گریه کنان

و استرجاع اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ گویان به شتاب آمد، و بر

در خانه آن حضرت ایستاد، پس گفت:

رَحِمَكَ اللّٰهُ يَا اَبَا الْحَسَنِ ، كُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلَامًا ،

خدا رحمتت کند ای ابو الحسن، تو اولین نفر ممت در گرویدن به اسلام،

وَ اَخْلَصَهُمْ اِيْمَانًا ، وَاَشَدَّهُمْ يَقِيْنًا ، وَاخَوْفَهُمْ لِلّٰهِ . و بسیاری از

و خالص ترینشان در ایمان، و سخت ترینشان در یقین و ترسنده ترینشان از خدا بودی

فضائل آن حضرت را نزدیک به این عباراتی که در همین

زیارت است برشمرد پس اگر در این روز یعنی روز شهادت

هم خوانده شود مناسب است، و اصل آن کلمات را که به

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در مبعث

منزله زیارت روز شهادت است در کتاب «هدیه» ذکر کرده‌ایم، هر که خواهد به آن کتاب مراجعه کند. بدان که ما پیش از این در ضمن اعمال شب مبعث کلامی از سفرنامه ابن بطوطه نقل کردیم که به این روضه شریفه «صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَي مَشْرِفِهَا» متعلق بود، شایسته است به آنجا رجوع شود.

فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن

فصل پنجم: فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن

واعمال آن مسجد زیارت خباب مسلم

آگاه باش کوفه یکی از آن چهار شهری است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سنین تفسیر به آن شده، و در روایت آمده: کوفه حرم خدا، و حرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و حرم امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ است، و یک درهم صدقه در آن، به صد درهم در جای دیگر حساب می‌شود، و دو رکعت نماز در آن به صد رکعت محاسبه می‌گردد.

فضیلت مسجد کوفه زیاده از آن است که ذکر شود، و در بیان شرافت آن کافی است که یکی از چهار مسجدی است که شایسته است برای درک فیوضاتشان به شتاب به سوی آنها کوچ کردن، و یکی از محل‌هایی است که مسافر بین قصر و اتمام نماز در آن مخیر است. و نماز واجب در آن برابر حجّ مقبول و معادل هزار نماز است که در جای دیگر بجا آورده شود. در روایات وارد شده: مسجد کوفه محلّ نماز پیامبران است، و جایگاه نماز حضرت مهدی (عج) خواهد شد، و در روایتی است که هزار پیامبر و

فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن

هزار جانشین پیامبر در آن، نماز بجا آورده‌اند، و از بعضی روایات استفاده می‌شود، که مسجد کوفه از مسجد اقصی که در بیت المقدس قرار دارد افضل است. ابن قولویه از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده: اگر مردم بدانند مسجد کوفه چه اندازه فضیلت دارد، هر آینه از شهرهای دور، تهیه زاد و راحله کنند، و به سوی این مسجد بیایند، و نیز فرمود: نماز واجب در آن، برابر است با حج مقبول، و نماز مستحب برابر است با عمره مقبوله، به بیان روایت دیگر نماز واجب و مستحب در آن همانند حج و عمره‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده باشند. شیخ کلینی و غیر او از مشایخ عظام روایت کرده‌اند، از هارون بن خارجه که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای هارون بین تو و مسجد کوفه چه اندازه مسافت است، یک میل می‌شود؟ گفتم: نه، فرمود: همه نمازهای خود را در آنجا می‌خوانی؟ گفتم: نه، فرمود: اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم از من یک نماز در آن فوت نمی‌شد، هیچ می‌دانی که فضیلت آن مکان چیست؟ نبوده بنده صالحی و نه پیامبری مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گزارده، حتی در شبی که رسول خدا را به معراج می‌بردند، جبرئیل به آن حضرت عرضه داشت می‌دانی

فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن

کجایی؟ اکنون در برابر مسجد کوفه‌ای، فرمود: از پروردگارم اجازه بخواه تا در آن مسجد بروم و دو رکعت نماز بگذارم، جبرئیل از حضرت حق اذن خواست، حق تعالی مرحمت فرمود، پس آن حضرت را فرود آورد و در آن دو رکعت نماز گزارد. بدرستی که جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و وسط آن باغی از باغهای بهشت و پشت آن باغی از باغهای بهشت، همانا نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز، و نماز مستحب در آن برابر است با پانصد نماز، و نشستن در آن، بدون تلاوت قرآن و ذکر، عبادت است و اگر مردم بدانند چه اندازه فضیلت در آن است به جانب آن بیایند گرچه به روش کودکان، خود را به زمین کشند و در روایت دیگر آمده: نماز واجب در آن برابر حج است، و نماز مستحب به اندازه عمره و در ذیل زیارت هفتم حضرت امیر علیه السلام اشاره به فضیلت این مسجد شریف گذشت، [صفحه ۸۸۷] و از پاره‌ای روایات معلوم می‌شود، که جانب راست این مسجد از جانب چپ آن افضل است.

اعمال مسجد بزرگ کوفه

اعمال مسجد بزرگ کوفه

اعمال مسجد کوفه: به صورتی که در کتاب «مصباح الزائر» و غیر آن می باشد، آن است که چون وارد کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ

به نام خدا و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)

عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ.

خدا یا فرود آر مرا فرود آمدنی با برکت، که تو بهترین فرود آوردگانی.

پس به سوی مسجد کوفه روانه شو، و در حال رفتن بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ. چون به

خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست، و سپاس خدای را، و منزه است خدا.

در مسجد وارد شوی، نزد در بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَي

سلام بر

سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ، مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

سرور ما رسول خدا، محمد بن عبدالله، و خاندان طاهرینش

السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سلام و رحمت و برکات خدا بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب،

وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَجَالِسِهِ وَمَشَاهِدِهِ، وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ، وَأَثَارِ

و بر مجالس و جایگاه حضور و مقام و حکمتش، و آثار

آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَتَبْيَانِ بَيْنَاتِهِ. السَّلَامُ

پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و تبیان دلائلش، سلام

عَلَيَّ الْإِمَامِ الْحَكِيمِ، الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ،

بر امام حکیم، دادگر، صدیق اکبر، جداکننده به داد

اعمال مسجد بزرگ کوفه

الَّذِي فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ ، وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ ،

که خدا به وسیله او میان حق و باطل، و کفر و ایمان

وَالشَّرِكِ وَالتَّوْحِيدِ ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ ، وَيَحْيِيَ مَنْ

و شرک و توحید را جدا کرد، تا هر که هلاک گردد از روی دلیل هلاک شود، و هر که زنده ماند از

حَيٍّ عَن بَيِّنَةٍ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَخَاصَّةً نَفْسِ

روی دلیل زنده ماند، شهادت می‌دهم که تویی امیر مؤمنان و خاصه جان

الْمُنْتَجَبِينَ ، وَزَيْنُ الصِّدِّيقِينَ ، وَصَابِرِ الْمُتَمَحِّنِينَ ، وَأَنَّكَ

برگزیدگان، و زینور صدیقان، و بردبار امتحان شدگان، و داور

حَاكِمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَقَاضِي أَمْرِهِ ، وَبَابُ حِكْمَتِهِ ، وَعَاقِدُ

خدا بر روی زمین، و اداکننده امر او، و درگاه حکمتش، و گره‌زننده

عَهْدِهِ ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ ،

پیمانش، و گویای به وعده‌اش، و رشته وصل شده بین او و بندگانش،

وَكَهْفُ النِّجَاةِ ، وَمِنَاهُجُ التَّقْوَى ، وَالدرَجَةُ الْعُلْيَا ، وَمُهَيْمِنُ

و پناهگاه نجات، و راه تقوی، و درجه برتر، و گواه

القَاضِي الْأَعْلَى . يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ،

داور عالی‌تر، ای امیر مؤمنان، به وسیله تو تقرب به خدا می‌جویم، تقرب کامل،

أَنْتَ وَلِيِّي وَسَيِّدِي ، وَوَسِيلَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . پس وارد

تو ولی و آقا و وسیله من در دنیا و آخرتی.

مسجد می‌شوی. مؤلف گوید: بهتر آن است از دری که در

عقب مسجد است، و مشهور به باب الفیل است وارد شوی،

آن‌گاه می‌گویی: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، این است جایگاه پناهنده به

بِاللَّهِ ، وَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَ بِوِلَايَةِ

خدا، و به محمد حبیب خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) و به ولایت

اعمال سحر بزرگ کوفه

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَالْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ ، النَّاطِقِينَ

امیر مؤمنان و امامان آن ره یافتگان و صادقان و سخنوران

الرَّاشِدِينَ ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا؛

و راشدان، آنان که خدا پلیدی را از ایشان دور کرد و پاکشان ساخت پاک ساختنی مخصوص،

رَضِيَتْ بِهِمْ أَيْمَةً وَهُدَاةً وَمَوَالِيٍّ ، سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ ، لَا أُشْرِكُ بِهِ

به آنان به عنوان امامان و هادیان و سرپرستان راضی شدم، تسلیم امر خدا گشتم به او شرک نیاورم

شَيْئًا ، وَلَا آتَخِذُ مَعَ اللَّهِ وَلِيًّا ، كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ ، وَضَلُّوا

چیزی، و همراه او سرپرستی نگیرم، شریک قرار دهندگان برای خدا دروغ گفتند، و گمراه شدند

ضَلَالًا بَعِيدًا . حَسْبِيَ اللَّهُ وَأَوْلِيَاءُ اللَّهِ ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گمراهی بس دور، کافی است مرا خدا و اولیای خدا، شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست،

وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ،

یگانه است، و برای او شریکی نیست، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

درود خدا بر او و خاندانش و اینکه علی و امامان ره یافته از نسلش

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَوْلِيَائِي ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ .

(درود خدا بر آنان باد) سرپرستان منند، و حجت‌های خدا بر بندگانش.

سپس به جانب ستون چهارم، که در جنب باب انماط،

و برابر ستون پنجم است برو، و آن ستون حضرت ابراهیم عليه السلام

است، پس چهار رکعت نماز بجای آر، دو رکعت آن را با

(حمد) و (توحید) و دو رکعت دیگر را با (حمد) و سوره

(قدر)، چون از نماز فارغ شدی، تسبیح حضرت زهرا عليها السلام را

بگو و بخوان:

اعمال مسجذب بزرگ کوفه

السَّلَامُ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ

سلام بر بندگان شایسته راه یافته خدا، آنان که خدا پلیدی

عَنْهُمْ الرَّجَسَ ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا ، وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ ،

را از ایشان برده، و پاکشان ساخته پاک کردنی خاص و قرارشان داده پیامبرانی مرسل،

وَحُجَّةً عَلَىٰ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

و حجت بر همه بندگان، سلام بر رسولان، و سپاس خدای را

رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ . وَ هفت مرتبه بگو:

پروردگار جهانیان، این است اندازه بخشی عزیز علیم.

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ . پس بگو: نَحْنُ عَلَىٰ وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ

سلام بر نوح در جهانیان. ما تعهد به وصیت تویم ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ ، الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

مؤمنان ای نوح که ذریهات را به آن وصیت کردی، از رسولان

وَالصَّادِقِينَ (وَالصَّادِقِينَ) ، وَنَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَشِيعَةِ نَبِيِّنَا

و صدیقان، و ما از شیعیان تو و شیعیان پیامبران

مُحَمَّدٍ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ ،

محمدیم، درود خدا بر او و بر خاندانش، و بر همه رسولان

وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ (وَالصَّادِقِينَ) ، وَنَحْنُ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ ،

و پیامبران و صادقان، و ما بر آیین ابراهیم،

وَدِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ، وَالْأُمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ ، وَوِلَايَةِ مَوْلَانَا

و دین محمد امی، و امامان ره یافته، و ولایت مولایمان

عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَىٰ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

علی امیر مؤمنان. سلام بر مژده دهنده و بیم ده، درودها

عَلَيْهِ، وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ ، وَعَلَىٰ وَصِيِّهِ وَخَلِيفَتِهِ ،

و رحمت و رضوان و برکات خدا بر او، و بر وصی و جانشینش،

الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،

آن شاهد برای خدا پس از او بر بندگانش علی امیر مؤمنان،